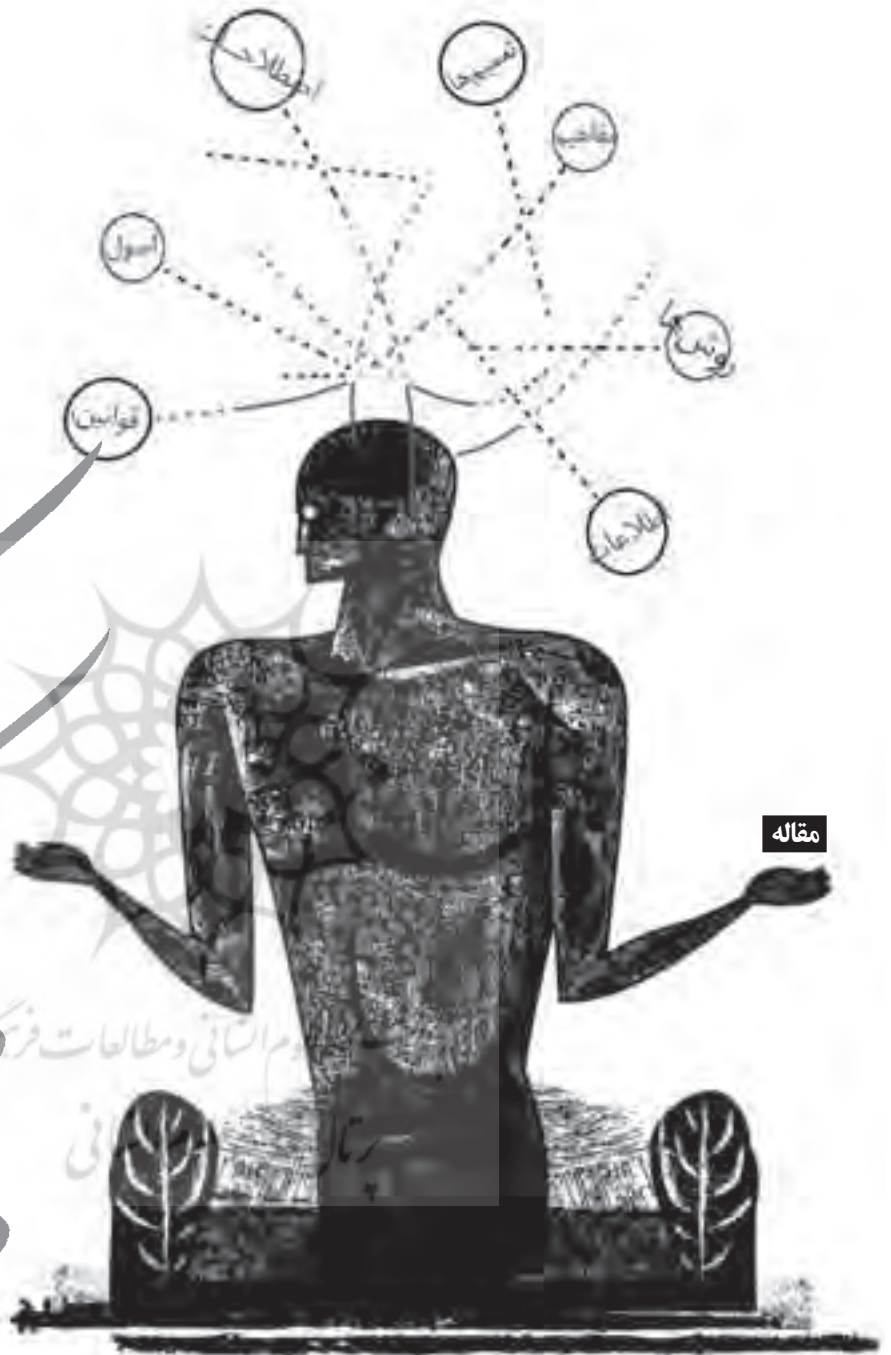


فاطمه شهرزاد
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

کارکردها، چرایی و پستی برنامه‌های اداری



مقاله

تصویرساز: صمیم موسوی

۱۶

رشد آموزش عالی
دوره‌ی ۱۴
شماره‌ی ۲
زمستان ۱۳۸۹

قرن بیست و یکم با مفاهیمی مانند، «عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات»، «عصر فناوری»، «دوره‌ی مدرن»، «دهکده‌ی جهانی»، آموزش مجازی و... شناخته و متمایز می‌شود. کسی نمی‌تواند به‌طور قطع پیش‌بینی کند که چه تغییر و تحولات دیگری برای انسان هزاره‌ی سوم رخ خواهد داد. اما آینده پژوهان ادعا می‌کنند که در سال ۲۰۲۵، هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی خواندن و نوشتن یاد بگیرد. زیرا نوشتن در سال ۲۰۲۵ فناوری منسوخ شده است.

به جای سه مهارت خواندن، نوشتن و حساب کردن، آموزش بر مبنای این مهارت‌ها ارائه خواهد شد: تفکر انتقادی، تفکر خلاق، مهارت‌های رایانه‌ای و... و ماشین حساب.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که نظام آموزشی چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی دارد و یا باید داشته باشد تا چنین آینده‌ای برای آموزش و پرورش رقم بخورد. نکته‌ی اساسی‌تر این است که نظام آموزشی ایران در قرن بیست و یکم در مقایسه با سایر نظام‌های آموزشی جهان چه جایگاهی دارد و برای هم‌سویی با تحولات سریع جهانی، چه تدابیری اندیشیده است.

بر اساس شاخص‌های جهانی آموزش و پرورش، کارایی بیرونی و درونی نظام آموزشی ایران مورد سؤال و تردید قرار می‌گیرد. از آن جمله می‌توان به مطالعات «انجمن بین‌المللی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی»^۱ (IEA) که از پژوهشی معتبر و بیش از نیم قرن است که در سراسر جهان فعالیت دارد، اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین مطالعات که توسط انجمن (IEA) صورت گرفته، مطالعه‌ی بین‌المللی «روندهای آموزش ریاضیات و علوم»^۲ (Timss) و «مطالعات بین‌المللی پیشرفت خواندن»^۳ (PIRLS) است.

یافته‌های ملی مطالعات تیمز و پرلز نشان می‌دهد که جایگاه عملکرد کشور ایران در تمام دوره‌های تیمز، در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۵، ۱۹۹۹، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷، و پرلز در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶، همواره از میانگین عملکرد بین‌المللی به‌طور معناداری پایین‌تر بوده است. (به استثنای عملکرد دانش‌آموزان دوره‌ی پیش‌دانشگاهی ایران در ریاضیات تیمز پیشرفته ۲۰۰۸ که تقریباً برابر با میانگین کشورهای شرکت‌کننده بود.) بر اساس این گزارش، عملکرد دانش‌آموزان دختر در پایه‌ی سوم راهنمایی در تیمز در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷، ۱۵ نمره کاهش همراه بوده که این رقم کاهش برای سپردن ۲۹ نمره گزارش شده است. بدون تردید، این رتبه و جایگاه شایسته‌ی کشوری نیست که بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، باید به عنوان قدرت اول منطقه در عرصه‌های گوناگون علمی و فناوری مطرح شود.

بر این اساس، بازنگری و تغییر در نظام آموزشی کشور امری لازم و ضروری است که این احساس ضرورت در برنامه‌ی چهارم توسعه، سیاست ۱۰۰ اسناد فرابخشی و بخشی، ذیل عنوان سیاست‌های کلی برنامه به این صورت بیان شده است: «اصلاح نظام آموزشی کشور، شامل آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز» (سیاست ۱۰۰).

در چند سال اخیر، وزارت آموزش و پرورش کشور بر آن شده است که از طریق تدوین و اجرای برنامه‌ی درسی ملی، تحولی بزرگ در نظام آموزشی کشور پدید آورد و با مطالعه‌ی جدیدترین یافته‌های علمی جهانی و در جهت هم‌سویی با مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور با نظام ارزشی و فرهنگ ناب اسلامی، برنامه‌ی درسی ملی را تدوین کنند. درک صحیح و روشن از مفهوم برنامه‌ی درسی ملی بیش از هر چیز نیازمند تجزیه و تحلیل مفهوم برنامه‌ی درسی و برنامه‌ریزی درسی است که از مهم‌ترین مفاهیم حوزه‌ی تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند.

۱. برنامه‌ریزی درسی

معلمان، مدیران، فضای مدرسه و... تجربیاتی به دست می‌آورند. این تجارب غیررسمی اگرچه از قبیل پیش‌بینی نشده‌اند، ولی بر رفتار و نگرش‌های یادگیرندگان اثر شگرفی دارند.

۷. برنامه‌ی درسی به عنوان شیوه‌ی تفکر

برخی استدلال می‌کنند که برنامه‌ی درسی در حقیقت وسیله‌ای است که از طریق آن، فراگیرندگان درباره‌ی مسائل گوناگون به تفکر و تأمل می‌پردازند.

۸. برنامه‌ی درسی به عنوان یک طرح

از مهم‌ترین حامیان این دیدگاه، سیلور و الکساندر هستند. اینان برنامه‌ی درسی را طراحی به منظور تدارک مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری برای افراد تحت تعلیم می‌دانند.

هم‌چنین، ایش عقیده دارد که برنامه‌ی درسی برنامه‌ای است مشتمل بر پنج مؤلفه‌ی پذیرفته شده‌ی زیر:

- چارچوبی از فرضیات درباره‌ی یادگیرنده و جامعه؛
- مقاصد و اهداف؛
- محتوا و موضوعات درسی؛
- شیوه‌های اجرا نظیر اداره‌ی محیط یادگیری؛
- ارزش‌یابی.

به‌طور کلی، برنامه‌ریزی درسی به آن حوزه‌ی علمی اشاره دارد که مشتمل بر قلمروهای زیر است:

۱. مبانی برنامه‌ریزی درسی شامل مبانی دینی اعتقادی، فلسفی، مبانی اجتماعی و فرهنگی، و مبانی روان‌شناختی.
۲. مهندسی برنامه‌ریزی درسی شامل طراحی، ساخت و تدوین برنامه‌ی درسی.
۳. اجرای برنامه‌ی درسی شامل سه نظام اجرایی: مؤمنانه یا وفادارانه؛ نیمه‌سازگارانه؛ سازگارانه.
۴. تغییر برنامه‌ی درسی. که شامل این مراحل است: برنامه‌ریزی برای تغییر؛ استفاده با کاربست تغییر؛ ارزش‌یابی از تغییر.

۵. تاریخ برنامه‌ی درسی که با دو قلمرو اصلی در ارتباط است: تاریخ عقاید تربیتی و تاریخ نظام‌ها و مؤسسات تربیتی.

۶. تحقیق در برنامه‌ی درسی که توضیح و تبیین مسائل برنامه‌ی درسی از قسمت‌های مهم این بخش است و شامل مسائل تعریفی، دیدگاهی و حرفه‌ای می‌شود.

۷. ارزش‌یابی از برنامه‌ی درسی که شامل چهار مرحله است: ارزش‌یابی قبل از برنامه‌ریزی و یا نیازسنجی؛ ارزش‌یابی تکوینی؛ ارزش‌یابی پایانی؛ ارزش‌یابی پی‌گیری.

مرآه برنامه‌ریزی درسی

الف) نیازسنجی و تدوین هدف

نیازسنجی عبارت است از فرایند تعیین اهداف، وضع موجود، و اندازه‌گیری و تعیین نیازها و تعیین اولویت‌ها برای عمل. ضرورت‌های نیازسنجی در برنامه‌ریزی درسی عبارتند از:

برنامه‌ریزی درسی به عنوان یک حوزه‌ی تخصصی، عملاً در اوایل قرن بیستم و با انتشار کتاب «برنامه‌ی درسی» توسط فرانکلین بوییت متولد شد. مفهوم برنامه‌ریزی درسی به فرایندی اشاره دارد که حاصل یا نتیجه‌ی آن، برنامه‌ی درسی است. اما آن‌چه که عملاً در ادبیات این رشته بیشترین اهمیت را دارد، واژه‌ی «Curriculum» یا همان برنامه‌ی درسی است. Curriculum از ریشه‌ی لاتین «Racecourse» و به معنای میدان مسابقه و یا فاصله و مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به هدف موردنظر دست یابند. به‌طور کلی، اغلب تعاریفی را که از برنامه‌ی درسی ارائه شده‌اند، می‌توان در یکی از طبقات زیر قرارداد:

۱. برنامه‌ی درسی به عنوان مجموعه‌ای از دروس یا برنامه‌های برای مطالعه از این نقطه نظر، برنامه‌ی درسی عبارت است از برنامه‌ای که در آن، فهرست موضوعات درسی به تفکیک تعیین و تصریح شده است. برای مثال، برنامه‌ی درسی پایه‌ی دوم ابتدایی شامل درس‌هایی نظیر ریاضی، علوم، تعلیمات اجتماعی و... است.

۲. برنامه‌ی درسی به عنوان فهرست رئوس مطالب

این برداشت عبارت است از مجموعه‌ای از سرفصل‌ها و رئوس اصلی مطالب برای یک درس خاص. برای مثال، برنامه‌ی درسی جامعه‌شناسی می‌تواند شامل مباحثی نظیر شهرنشینی، طبقات اجتماعی و... باشد.

۳. برنامه‌ی درسی به عنوان محتوای یک درس یا مجموعه‌ای از دروس از نظر گود (۱۹۵۹)، برنامه‌ی درسی عبارت است از یک برنامه‌ی کلی و عمومی در ارتباط با محتوای آموزشی که توسط مدارس به دانش‌آموزان ارائه می‌شود تا در سایه‌ی آن، یادگیرندگان قادر شوند صلاحیت‌های لازم را در خود به وجود آورند و برای ورود به حوزه‌های فنی و حرفه‌ای خاص آماده شوند.

۴. برنامه‌ی درسی به عنوان برنامه‌ی زمانی برای تدریس دروس براساس این دیدگاه، جدول زمانی تدریس دروس در هفته توسط معلمان و مربیان، همان برنامه‌ی درسی است.

۵. برنامه‌ی درسی به عنوان مجموعه‌ای از اهداف و مقاصد به زعم حامیان این برداشت، برنامه‌ی درسی تعیین پیشاپیش مجموعه‌ای از اهداف یا نتایج یادگیری مورد انتظار است.

۶. برنامه‌ی درسی به عنوان مجموعه‌ای از تجارب یادگیری براساس طبقه‌بندی زایس، تعریف این عنوان برنامه‌ی درسی به دو دسته‌ی کلی قابل تقسیم‌اند:

● برنامه‌ی درسی به عنوان مجموعه‌ای از تجربیات یادگیری برنامه‌ریزی شده: در این دیدگاه، برنامه‌ی درسی مجموعه‌ای از تجربیات یادگیری است که پیشاپیش توسط برنامه‌ریزان و یا مدارس پیش‌بینی و تدارک دیده شده‌اند تا دانش‌آموزان در معرض آن قرار گیرند و به مقاصد و نتایج مورد انتظار دست یابند.

● برنامه‌ی درسی به عنوان تمامی تجربیات یادگیری که دانش‌آموزان دارند: در این دیدگاه، علاوه بر تجاربی که در برنامه‌ی درسی رسمی برای دانش‌آموزان تدارک دیده می‌شود، یادگیرندگان از یکدیگر و از تعامل با

- ضرورت فراهم‌سازی اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی درسی؛
- ضرورت ارزیابی در سنجش؛
- پاسخ‌گویی و مسئول بودن مؤسسات و نظام‌های برنامه‌ریزی درسی؛
- هماهنگی و هم‌سویی با تغییرات؛
- شناسایی ضعف‌ها و مسائل اساسی برنامه‌ی درسی؛
- تحقق برنامه‌ریزی درسی مشارکتی.

ب) انتخاب محتوای برنامه‌ی درسی

منظور از محتوای یک ماده‌ی درسی، دانش سازمان یافته و اندوخته شده، اصطلاحات، اطلاعات، واقعیات، قوانین، اصول، روش‌ها، مفاهیم، تعمیم‌ها، پدیده‌ها و مسائل مربوط به آن ماده‌ی درسی است. ملاک‌های انتخاب محتوا در برنامه‌ریزی درسی عبارت‌اند از:

۱. تناسب با عوامل و ارزش‌های اجتماعی؛

- تناسب محتوا با فرهنگ و ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها و آرزوهای اجتماعی؛
- تناسب محتوا با پیشرفت‌های علمی و فناوریانه؛
- تناسب محتوا با مسائل و نیازهای ملی و محلی؛
- تناسب محتوا با مسائل و ارتباطات جهانی.

۲. تناسب با ویژگی‌ها و نیازهای یادگیرندگان؛

- تناسب محتوا با توانایی‌ها و استعدادهای یادگیری دانش‌آموزان؛
- تناسب محتوا با نیازها و رغبت‌های دانش‌آموزان؛
- تناسب محتوا با زندگی واقعی دانش‌آموزان؛
- زمینه‌ساز تجربیات و یادگیری‌های بعدی دانش‌آموز بودن محتوا.

ج) تناسب با قانونمندی‌های برنامه‌ی درسی؛

- تعادل محتوا: منظور همان سازمان داخلی محتوا، هم از نقطه نظر کمیت و هم از نظر کیفیت است.
- انسجام محتوا: منظور وجود نوعی وفاق میان مفاهیم و مضامین محتوا و در نتیجه، فقدان تناقض در میان آن‌هاست.

الگوهای سازمان‌دهی محتوای برنامه‌ی درسی

الف) برنامه‌های درسی موضوع محور

۱. برنامه‌ی درسی موضوعات مجزا: در این روش محتوا به بخش‌های کاملاً مجزا نظیر ادبیات، تاریخ، جغرافیا، جبر، شیمی و... تقسیم می‌شود.
۲. برنامه‌ی درسی مبتنی بر موضوعات وسیع: در این روش محتوا در قالب موضوعاتی وسیع‌تر و کلی‌تر از آن‌چه که در موضوعات مجزا مدنظر بود، سازمان داده می‌شود.
۳. برنامه‌ی درسی مارپیچی: در این روش محتوای برنامه‌ی درسی حول محور دانشی که باید تدریس شود، سازمان داده می‌شود.

ب) برنامه‌ی درسی دانش آموز محور

- برنامه‌ی درسی پایه‌ی مشترک: در این روش نیازها، مسائل و علاقه‌های دانش‌آموزان به جای محتوا، مبنای سازمان‌دهی قرار می‌گیرد.
- برنامه‌ی درسی مبنی بر کارکردهای اجتماعی یا مسائل اجتماعی: این الگو عمدتاً حول محور مسائلی متمرکز است که دانش‌آموزان در موقعیت‌های واقعی زندگی با آن‌ها مواجه هستند.
- برنامه‌ی درسی فعالیت محور: این الگو نیز به نیازها و علاقه‌های دانش‌آموزان توجه ویژه‌ای دارد؛ با این تفاوت که محتوای این الگو نسبت به دو الگوی قبلی انعطاف‌پذیرتر است و اطلاعاتی که باید در یک درس خاص تدریس شود، اغلب برنامه‌ریزی شده نیست.
- برنامه‌ی درسی انسان‌گرایانه (باز): برنامه‌ی درسی انسان‌گرایانه بیشتر فلسفه‌ی آموزش و پرورش است تا الگوی سازمان‌دهی برنامه‌ی درسی. در این الگو سعی می‌شود در کلاس درس جوی سرشار از اعتماد، احترام متقابل، همکاری و دوستی حکم‌فرما باشد.

ج) روش تدریس

شیوه‌ی فعال در تدریس یکی از اساسی‌ترین روش‌های تدریس است و اساسی‌ترین رویکردهای آن عبارت‌اند از: رویکرد اکتشافی (از دیدگاه برونر)، رویکرد پژوهشی (از دیدگاه دیویی) و رویکرد عرضه‌ی مطالب (از دیدگاه آربل).

د) اجرای برنامه‌های درسی

- شیوه‌ی اجرای برنامه‌های درسی تا حد زیادی تابع نظام برنامه‌ریزی درسی است. سه نظام برنامه‌ریزی معروف براساس سه متغیر خاستگاه، شرکت‌کنندگان و میزان توجه به واقعیت‌های محیطی به شرح زیرند:
- نظام برنامه‌ریزی درسی عمومی متخصص محور؛
- نظام برنامه‌ریزی درسی عمومی کارشناس محور (سازگاری معدود)؛
- نظام برنامه‌ریزی درسی عمومی الگوی مشارکت هماهنگ و متوازن (سازگاری آزاد).

ه) ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی

- ارزش‌یابی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل برنامه‌ریزی درسی به شمار می‌آید. برخی از تعاریف ارائه شده از مفهوم ارزش‌یابی این‌گونه‌اند:
- تعریف ارزش‌یابی به مثابه بررسی میزان حصول به هدف؛
- تعریف ارزش‌یابی به مثابه فرایند جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری؛
- تعریف ارزش‌یابی به مثابه سنجش یادآوری درباره‌ی شایستگی و ارزش چیزی.
- بی‌بای معتقد است، ارزش‌یابی یعنی جمع‌آوری و تفسیر نظام‌دار شواهدی که به قضاوت ارزشی با غایت به عملی منجر شود.
- با این تعاریف می‌توان گفت: ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی عبارت است از فرایند بررسی ارزش‌ها و شایستگی برنامه‌ی درسی. جنبه‌های اساسی در ارزش‌یابی از برنامه‌ی درسی از این قرارند:

نیز فراهم آورد. در سال‌های اخیر کشور ما نیز با اهداف متفاوت به تدوین برنامه‌ی درسی ملی مبادرت کرده است.

بر اساس مستندات چارچوب پیشنهادی برنامه‌ی درسی ملی ایران، برنامه‌ی درسی ملی این‌گونه تعریف شده است: «چارچوب و نقشه‌ی کلانی که سیاست‌ها و ختمش‌های ناظر بر برنامه‌ی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف تربیتی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارتقای استانداردهای آموزشی تعیین و تبیین می‌کند».

دکتر **عصاره**، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی، برنامه‌ی درسی ملی را این‌گونه توصیف می‌کند: «برنامه‌ی درسی ملی، نقشه‌ای است که می‌خواهد روش‌های تعلیم و تربیت کشور را که دچار آسیب بوده است، اصلاح کند و آن را مبتنی بر استانداردهای جهانی تدوین کند. این استانداردها هم جهانی هستند و هم بر ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی کشور ایران تکیه دارند. در مرحله‌ی بعد روش‌ها را باید در اختیار برنامه‌ریزان درسی قرار داد تا آنان بتوانند بر اساس آن استانداردها و در قالب آن چارچوب‌ها برنامه‌ی درسی کشور را تدوین و ارائه کنند».

برنامه‌ی درسی ملی سندی است که نقشه‌ی کلان برنامه‌ی درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش فراهم می‌کند. در واقع یک نقشه‌ی راه است برای همه‌ی آن‌هایی که در نظام تعلیم و تربیت نقش دارند تا بتوانند انتظارات را در قالب استاندارد ما بریزند».

ضرورت و اهمیت تدوین برنامه‌ی درسی ملی

مطالعات صورت گرفته در حوزه‌ی تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که نظام آموزشی کشور ما بر اساس استانداردهای برتر جهانی شکل نگرفته است. از سوی دیگر، اصول، فلسفه و دستاوردهای نظام آموزشی کشور به طور کامل با ارزش‌های ملی و اسلامی هم‌سو نیست. در واقع می‌توان گفت که نظام آموزشی ما نه جهانی است و نه ملی.

«دبیرخانه‌ی تدوین برنامه‌ی درسی ملی» ضرورت‌های اجرای این برنامه را به شرح زیر اعلام کرده است:

۱. آرمان‌گرایی بیش از حد برنامه‌ی درسی در کنار محافظه‌کاری و حفظ وضع موجود؛
۲. منطبق نبودن برنامه‌های درسی با نیازها و احتیاجات اقتصادی - اجتماعی جامعه؛
۳. غلبه‌ی آموزش‌های نظری بر احتیاجات زندگی و واقعیت‌ها و نیازهای موجود؛
۴. شکاف موجود بین جامعه و مدرسه؛
۵. محدودیت و حاکمیت روش‌های سنتی در آموزش؛
۶. فقدان انعطاف در برنامه‌ی ملی درسی؛
۷. بی‌توجهی به یادگیری معنادار و تأکید بر یادگیری و طوطی‌وار؛
۸. تأکید بر سنجش‌های کمی و پاسخ محور؛
۹. کم‌توجهی به نقش و عملکرد معلمان در اجرای برنامه‌های درسی؛

● در ارزش‌یابی ابتدا باید به طرح‌ریزی پرداخت و سپس بر اساس آن ارزش‌یابی را به مرحله‌ی عمل گذاشت.

● به ارزش‌یابی باید به عنوان بخشی از برنامه‌ی کلی نگریسته شود و نه به عنوان یک پروژه‌ی مجزا.

● تمامی افراد درگیر در برنامه‌ریزی درسی و یا مجریان برنامه‌ها باید در ارزش‌یابی مشارکت داشته و بدان متعهد باشند.

● ارزش‌یابی باید حتی‌الامکان بر اهداف کلی و به‌ویژه برنامه‌ی درسی مبتنی باشد.

● در طرح ارزش‌یابی باید نحوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات به روشنی مشخص شود.

● در هر پروژه‌ی ارزش‌یابی باید سازوکاری برای برقراری ارتباط مؤثر تدارک دیده شود.

● در طراحی ارزش‌یابی، باید برای بررسی میزان استفاده از نتایج ارزش‌یابی در تصمیمات برنامه‌ی درسی، نظامی کارآمد طراحی شود.

● در طراحی ارزش‌یابی، باید هر داده‌های کمی و کیفی مورد توجه قرار گیرند

● در طراحی ارزش‌یابی، باید به آموزش ضمن خدمت یا کارآموزی کارکنان دخیل در ارزش‌یابی همت گماشت.

● در طراحی ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی باید برای میزان اثربخشی فرایند ارزش‌یابی تدابیری اندیشید.

کارکردهای ارزش‌یابی نیز عبارت‌اند از:

- کارکرد تکوینی (پیشرفت‌گرا)
- کارکرد پایانی (بازنگرانه)
- کارکرد روان‌شناختی یا سیاسی - اجتماعی
- کارکرد اداری

تعریف برنامه‌ی درسی ملی

هانسن^۴، «برنامه درسی ملی» را این‌گونه تعریف می‌کند: «برنامه‌ی درسی ملی، به معنای تهیه و تدارک برنامه‌ها و اقدامات اجباری و الزامی نظام‌دار و مدون برای تعلیم و تربیت یک کشور است.» در حالی که «سند ملی برنامه‌ی درسی» به مجموعه‌ای از اصول و رهنمودهای کلی حاکم بر برنامه‌ریزی درسی یک کشور اطلاق می‌شود.

از نظر **لامبی**^۵، تدوین برنامه‌ی درسی ملی، نوعی هدایت ملی است درباره‌ی آن‌چه که باید آموخته شود، چگونگی آموختن، روش‌های ارزش‌یابی و پیامدهای مورد انتظار.

طراحی و تدوین برنامه‌ی درسی ملی در هر جامعه‌ای، تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن جامعه است. **شورت**^۶ تهیه و تدوین برنامه‌ی درسی ملی را عامل وحدت ملی می‌داند و **برادی**^۸ در همین رابطه اظهار نظر می‌کند که اگر برنامه‌ی درسی ملی در قالب چارچوب‌ها و رهنمودهای کلی تهیه شود، نه تنها می‌تواند به وحدت ملی کمک کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ی کاهش تمرکز در برنامه درسی را

۱۰. پایین بودن سطح عملکرد معلمان و دانش‌آموزان در آزمون‌های بین‌المللی؛

۱۱. بی‌توجهی به ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی.

اهداف تدوین برنامه‌ی درسی ملی

۱. ارائه‌ی چارچوب جامع، منسجم و کلام مبتنی بر مبانی فلسفه‌ی آموزش و پرورش اسلامی.
۲. تعیین اصول، استانداردها، فرایندها، سیاست‌ها و مجموعه‌ی ضوابط کیفی و محتوایی نظام آموزشی کشور.
۳. بازخوانی و بازسازی اهداف، رویکردها و حوزه‌های یادگیری بر اساس اولویت‌ها و نیازهای واقعی.

اصول تدوین برنامه‌ی درسی ملی

۱. رعایت مبانی اسلامی تعلیم و تربیت اسلامی: ابتدای تولید و تدوین سند در تمامی مراحل بر اساس مبانی تعلیم و تربیت اسلامی.
۲. مشارکت و اجماع: بهره‌گیری از همکاری و مشارکت همه‌ی واحدها، بخش‌ها و اقشار ذی‌ربط در سطوح متفاوت در فرایند تولید سند.
۳. واقع‌بینی: توجه به واقعیت‌ها، نیازها، محدودیت‌ها و امکانات ملی و جهانی در زمان حال و آینده.
۴. جامع‌نگری: توجه تولیدکنندگان سند در تمامی مراحل کار، به همه‌ی نیازها، اصول، چارچوب‌ها و اقتضائات.
۵. بهره‌گیری از تجارب و منابع پیشین: مطالعه و استفاده از همه‌ی اسناد و مدارک معتبر تولید شده‌ی قبلی به نحو مطلوب و در حد امکان در تولید سند و پرهیز از دوباره‌کاری.
۶. استفاده از تجربه‌ی سایر کشورها: مطالعه‌ی تجربه‌های سایر کشورها و استفاده از نتایج آن در تدوین برنامه با حفظ مبانی ارزشی و اعتقادی نظام و رعایت مقتضیات ملی.
۷. رعایت انسجام و هماهنگی: بر خورداری مؤلفه‌ها و عناصر سند از وحدت، انسجام و هماهنگی و نداشتن تعارض درونی.
۸. وضوح و شفافیت: پرهیز از ابهام و کلی‌گویی در سند و تعیین تکالیف همه‌ی موارد لازم در آن.

برونداد طرح برنامه‌ی درسی ملی

- آن‌چه به عنوان سند برنامه‌ی درسی ملی تدوین می‌شود شامل محورهای زیر است:
۱. کلیات شامل مقدمه، ضرورت‌ها، اهداف و تعریف.
 ۲. منطقی، منابع و گفتمان حاکم بر برنامه از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روان‌شناسی و... که برنامه‌ی درسی دیدگاه‌های خود را از آن‌ها اخذ کرده است.
 ۳. اهداف و مقاصد برنامه‌های جامع درسی کشور در دوره‌های گوناگون تحصیلی.

۴. حوزه‌های اساسی یادگیری (اعم از آموزش و پرورش) از قبیل:

● **دانش‌ها و شناخت‌های اساسی** (حیطه‌های شناختی در دوره‌های تحصیلی)

● **آداب و مهارت‌های اساسی:** آداب و مهارت‌های ضروری برای هر دانش‌آموز ایرانی به‌طور روشن و مشخص.

● **نگرش‌ها و ارزش‌های مطلوب:** ارزش‌ها و نگرش‌های مورد تأکید که یادگیرندگان باید به آن برسند.

۵. زمان تخصیص یافته به هر یک از حوزه‌های یادگیری، دروس اختیاری و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.

۶. تعیین سازمان‌دهنده‌های مفهومی به صورت خلاصه برای هر درس، به گونه‌ای که نتایج یادگیری را مشخص کند.

۷. تعیین رویکرد یاددهی - یادگیری در مقاطع کلیدی (شرایط مطلوب و روش‌های مناسب مدنظر است).

۸. تدوین خط‌مشی‌های ارزش‌یابی از برنامه و پیشرفت تحصیلی، چگونگی اصلاح آن و تعیین مسئولیت‌ها.

۹. تدوین سیاست‌های اجرایی و حدود اختیارات سطوح گوناگون، از ستاد تا مدرسه و کلاس، در برنامه‌ریزی درسی و تعیین ارتباط این سطوح با یکدیگر.

۱۰. الگوی کلی نیروی انسانی مطلوب برای اجرای برنامه و نظارت و ارزش‌یابی آن.

۱۱. راهبردهای حاکم بر تولید، انتخاب و به‌کارگیری رسانه‌های آموزشی.

۱۲. استانداردهای لازم برای فضای آموزشی مناسب به منظور اجرای برنامه‌ی درسی.

۱۳. تعیین خطوط‌مشی و فرایندهای تأمین نیازهای آموزشی گروه‌های یادگیرنده با نیازهای ویژه.

۱۴. تعیین سازوکار و لوازم اجرایی برنامه‌ی درسی ملی.

پی‌نوشت

1. International Association for the Evaluation of Educational Achievement
2. Trends in International Mathematics and Science Study
3. Progress in International Reading Literacy Study
4. Han sen (1996)
5. National curriculum
6. lumpy
7. Shorm (1982)
8. Brayd (1995) (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی)

منابع

۱. فتحی و اجارگاه، کوروش. اصول برنامه‌ریزی درسی. انتشارات ایران زمین. ۱۳۷۷.
۲. احمدی، آمنه. «برنامه‌ی درسی ملی». فصل‌نامه‌ی رشد معلم. شماره‌ی ۱. ۱۳۸۴.
۳. _____ . «تمرکز و عدم تمرکز در تدوین برنامه‌ی درسی ملی». فصل‌نامه‌ی رشد معلم. شماره‌ی ۴. ۱۳۸۵.
۴. عصاره، علیرضا. «برنامه‌ی درسی ملی». روزنامه‌ی قدس. ۲۴ دی ۱۳۸۷.
۵. پدرام، عبدالرحیم. کارگاه آموزشی «آینده‌پژوهی». جهاد دانشگاهی. اسفند ۱۳۸۸.
۶. روزنامه‌ی جوان امروز. آموزش و پرورش. شماره‌ی ۴۳. ۲۹ دی ۱۳۸۸.
۷. اسناد بخشی و فرابخشی قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی کشور.

8. <http://www.darsiran.ir>
9. <http://www.darsemeli.blogspotsky.com>
10. <http://www.medu.ir>
11. <http://www.edumblogfa.com>
12. <http://www.rie.ir>